مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات ، شماره ۲۲ ، زمستان ۱۳۹۹جلد۲، ص ۵۰-۴۱
http://www.jrse.ir

نقش شناخت ابعاد وجودی انسان در تغییر سبک زندگی

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال ششم)
شماره ۲۲ / زمستان ۱۳۹۹ / ص ۵۰-۴۱

فاطمه ناظمی[۱]، عباس یوسفی تازه کندی[۲]، حمید کمانکش[۳]، زکیه سمیعی[۴]

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران

[۲]عضو هیئت علمی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران

[۳]عضو هیئت علمی، دانشگاه علوم و معرف قرآن کریم، قم، ایران

[۴] دانشجوی کارشناسی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران

نویسنده مسئول:
فاطمه ناظمی

چکیده

سبک زندگی یکی از پردامنه‌ترین بحث‌هایی است که همه ابعاد زندگی انسان را دربرمی‌گیرد. مفهوم سبک زندگی به معنای الگوی زندگی برای نخستین بار از سوی آدلر به عنوان راهی برای رسیدن به اهداف ابداع شد. امروزه شدیداً نیاز است که معارف قرآن و اهل بیت (ع) از حالت کلی‌گویی خارج شده و به عنوان دستورالعمل زندگی مورد توجه قرار بگیرد. عوامل بسیاری در تغییر سبک زندگی نقش دارد که از جمله‌ی آن می‌توان به رفتارهای دینی اشاره کرد. یکی از عوامل مهم در این بین شناخت ابعاد وجودی انسان می‌باشد. عوامل تغییر خصوصاً ابعاد وجودی انسان، زمینه‌ساز سعادت و شقاوت افراد به شمار می‌رود. این پژوهش درصدد است نقش شناخت ابعاد وجودی انسان در اندیشه، کنش و رفتار فرد و به طور کلی تغییر سبک زندگی را به روش توصیفی-تحلیلی بررسی نماید. شناخت این ابعاد باعث جهت دادن به زندگی، رعایت اعتدال، افزایش توانایی برای حل مسائل، آرامش روحی، فعالیت بیش‌تر، بینش عمیق‌تر و پرورش‌استعدادهای انسان می‌گردد؛ بنابراین در معنایابی و هدفداری و سپس تغییر سبک زندگی انسان‌ها تاثیرگذار است.

کلیدواژه ها: سبک زندگی، ابعاد وجودی، هویت، باورها، ارزش‌ها

۱. مقدمه

سبک زندگی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، شیوه‌های رفتاری و سلایق فردی در زندگی روزمره است که با مطالعه‌ی آن می‌توان به دریافتی از این ارزش‌ها و رفتارها رسید. عوامل مختلفی در تغییر سبک زندگی فردی نقش دارد که از آن جمله‌ی آن می‌توان به صبر، تقوا و تلاش اشاره کرد. دیدگاه ما نسبت به سبک زندگی، بستگی به این دارد که انسان را فقط جسم یا مرکب از جسم و روح بدانیم.

انسان پیوسته در حال تغییر سبک زندگی خود برای دست یافتن به سعادت و پیروزی است؛ حال فردی که به این اندیشه معتقد است و حقیقت سعادت را در تغییر سبک زندگی می‌داند، در پی دستیابی به این حقیقت عواملی را می‌جوید که هر چه بیشتر و آسان‌تر او را به سرمنزل مقصود برساند.

بهترین عامل ارائه شده، شناخت ابعاد وجودی انسان با توجه به جامعیت و ظرفیت‌های ویژه آیین اسلام است که توجه به آن، سبب تعالی فرد می‌شود و او را به سعادت دنیوی و اخروی می‌رساند.

در رابطه با موضوع نقش شناخت ابعاد وجودی انسان بر تغییر سبک زندگی، تنها برخی منابع به مباحثی مشابه پرداخته‌اند که عبارتند از:

- جایگاه و آثار باور به خدا در سبک زندگی خانوادگی از منظر قرآن و روایات (شریفی، خوانین زاده و فاضل‌نیا، ۱۳۹۵)
- ارتباط اندیشه‌ی سعادت و سبک زندگی مهدوی (رضایی و باغخانی، ۱۳۹۴)
- فطرت انسان در قرآن (کریمی، ۱۳۹۲)

هر کدام از موارد نام‌برده شده، به صورت جزئی به بخشی از موضوع پرداخته‌اند، اما پژوهش حاضر به صورت کامل و با رویکرد قرآنی به بیان نقش شناخت ابعاد وجودی انسان در تغییر سبک زندگی پرداخته است.

پژوهش پیش‌رو به واکاوی این پرسش می‌پردازد که نقش شناخت ابعاد وجودی انسان از منظر اسلام در تغییر سبک زندگی به چه صورت است؟

سبک زندگی

مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان یافته که متأثر از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته شده و همچنین متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعیت محیطی است؛ این مجموعه، وجهه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد را می‌سازد. به کمک سبک زندگی می‌توان آنچه مردم انجام می‌دهند، و معنای رفتارهای آنان را درک کرد. به این دلیل است که برای برنامه‌ریزی و مدیریت در عرصه‌های مختلف زندگی مردم جامعه، پیش از هر اقدامی، لازم است سبک زندگی و مؤلفه‌های آن برای برنامه‌ریزان و مدیران حوزه‌های مختلف مشخص شود تا برمبنای آن بتوانند برنامه‌های علمی در حوزه‌های تحت مدیریت خود ترسیم کنند (رسولی و بک‌آبادی، ۱۳۹۰: ۹۸).

۲-۳ شناخت ابعاد وجودی انسان

انسان شناسی تاثیر مستقیمی بر شکل گیری و تغییر نوع زندگی فرد در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی دارد. شناخت ابعاد وجودی، ویژگی‌ها، استعدادها و قابلیت‌های انسان از دیرباز مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران بوده و در این راه تلاش‌های فراوانی صورت گرفته است. برخلاف عظمت و فراوانی این تلاش‌ها، انسان‌شناسی کنونی که بیشتر به روش تجربی متکی است، نه‌تنها نتوانسته جنبه‌های ناشناخته انسان را آشکار کند، بلکه دچار نوعی بحران نیز شده است.

بدین معنا که نوعی اضطراب در پاسخگویی به پرسش‌های محوری درباره انسان در آن به چشم می‌خورد. بنابراین، در وضعیت فعلی به استفاده از روشی جامع جهت شناخت انسان نیاز است؛ چرا که هر گونه نقصانی در شناخت او، در نظام تعلیم و تربیتش اثر مستقیم دارد.

با توجه به آن که مکتب الهی اسلام حامل کامل‌ترین و فراگیرترین پیام خداوند است، برترین مکتبی به شمار می‌رود که می‌تواند شناختی کامل و جامع از انسان، هدف زندگی و اهداف تعلیم و تربیت وی ارائه کند. (رجبی، ۱۳۸۰: ۳۴-۱۳ و ۲۰۴-۲۰۳).

در صورت فقدان این شناخت، از انواع امدادهای الهی بی‌بهره می‌مانیم؛ زیرا سنت توفیق الهی چنین است که هر کس در راه خدا که راه خوشبختی خود انسان است، تلاش کند، او را از امدادهای غیبی بهره‌مند می‌سازد.

این شناخت به عنوان یک «باور قلبی»، بلندترین و لطیف‌ترین اندیشه‌ای است که در قلب و سپس فکر بشر راه یافته، دل را روشن، امیدوار و خوشبین کرده، به آدمی نیرو می‌بخشد و قدرت مقاومت وی را مضاعف می‌سازد. چنین فردی جهان را با رحمت، حکمت دیده و نقطه مرکزی جهان را رئوف، رحیم، حکیم و آگاه می‌داند؛ وی معتقد است که خداوند عمل نیک را ضایع نمی‌سازد و حامی کسانی است که در راه حق گام برمی‌دارند. بدین سبب، همواره با دلی روشن و امیدوار و با اتکا به خدا در راه‌های خیر و صلاح حرکت می‌کند (مطهری، ۱۳۹۱: ۱۶).

ابعاد وجودی انسان از دیدگاه اسلام را که شناخت آن‌ها تغییر سبک زندگی را در پی دارد، می‌توان در محورهای زیر مورد بررسی قرار داد:

۲-۳-۱ انسان موجودی دو ساحتی

در نظام اخلاقی و معرفتی اسلام، انسان موجودی است که از دو بعد اساسی تشکیل یافته است:

الف) بدن یا جسم که اجزای آن را گوشت، پوست، استخوان، رگ، پی، اعضا و جوارح تشکیل می‌دهند.

ب) نفس که آن را روح، جان، عقل و دل نیز می‌نامند و همان حقیقتی از عالم ملکوت است که خداوند آن را در وجود انسان قرار داده و دارای مراتب و درجات مختلف است (شجاعی و حیدری، ۱۳۸۸: ۳۴۳-۳۴۲).

از نظر اسلام حقیقت آدمی روح است که خداوند به واسطه آفرینش آن به خود تبریک گفت؛ بدن، مرکب و وسیله‌ای است برای روح، تا با استفاده از آن به اهداف و خواسته‌های خود برسد. (حسینی، ۱۳۹۵: ۹).

توجه به این که انسان فقط جسم نیست و دارای روح و جان است و حقیقت انسان همان روح است، اعمال، رفتار و گفتار او را به کلی تغییر می‌دهد و جهت معنوی و اخروی و تلاش برای رسیدن به کمال اخروی بجای لذت‌گرایی دنیایی می‌دهد؛ چراکه انسان‌شناسی، هدف زندگی انسان را دگرگون می‌کند و به تبع آن تمام شئون زندگی تحت تاثیر همان هدف قرار می‌گیرد.

در صورتی که انسان از وجود نفس یا روح خود اطلاعی نداشته باشد، به وجود همین جسم وبدن و رفع نیازهای مادی آن بسنده می‌کند.

چنین شناختی بر اساس مبانی دین اسلام باعث می‌شود که فرد با توجه به این حقیقت که مرکب از جسم و روح است، می‌داند که پس از مرگ، جسم او از بین می‌رود و تنها روح و اعمالش باقی می‌ماند؛ پس سعی می‌کند بین امیال و انتظارات خویش به این دلیل که دنیا فانی و آخرت باقی است، اعتدال را رعایت کند.

پس در مقابل نعمت اختیار گزینش امیال و انتظارات خویش راه سعادت را برمی‌گزینند و سپاس‌گزار این نعمات می‌باشد.

۲-۳-۲ انسان دارای مقام خلافت الهی در زمین

مقام برجسته جانشینی خدا در زمین مهم‌ترین خصوصیت انسان از نظر قرآن است:

(وَإِذْ قَالَ رَبُّک لِلْمَلَائِکَةِ إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِیهَا مَنْ یفْسِدُ فِیهَا وَیسْفِک الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِک وَنُقَدِّسُ لَک قَالَ إِنِّی أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ) ﴿۳۰﴾ (بقره: ۳۰) «و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت... .»

اندیشمندان اسلامی معتقدند که خداوند خواسته است روی زمین موجودی بیافریند که نماینده او باشد، صفاتش از اثر صفات پروردگار و مقام و شخصیتش برتر از فرشتگان باشد؛ اراده او این بوده است که تمامی نعمت‌هایش را در اختیار انسان بگذارد تا در جهت معرفت از آن بهره برد. (کاوند، ۱۳۸۸: ۸۳).

این موضوع نشانه اهمیتی است که خداوند برای انسان قائل است و او را جانشین خود در زمین قرار داده است. خلافت الهی، تجلی کامل روح الهی در انسان است (شبدینی پاشاکی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۳).

از آن‌جا که انسان دارای ماهیت وجودی دوگانه، یعنی مادی و معنوی است و هر دو بعد به دلیل وجود مقام خلافت الهی ارزشمند است، ناآگاهی از این وجود بی‌عیب و نقص و باارزش باعث می‌شود که فرد خواستار ظواهر فریبنده و بی‌ارزش دنیا شود؛ ولی در صورتی که فرد ارزش‌های وجودی خویش مثل مقام خلافت الهی در زمین را درک کند، خود را بزرگ‌تر و نیرومندتر از آن می‌بیند که به دنبال امیال حقیرانه‌ی مادی و دنیایی باشد و سعی می‌کند سبک زندگی خود را طوری تعریف کند که لایق این مقام باشد و اسماء و صفات الهی را متجلی کند.

۲-۳-۳ انسان دارای آفرینش هدفمند

نظام آفرینش و موضوعات پیوسته به آن از دیرباز مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده است. حکما بر این عقیده‌اند که نظام حاکم بر جهان هستی بر اساس رابطه‌ی علی-معلولی میان اجزای آن است؛ به طوری که هر جزیی می‌تواند نسبت به برخی اشیا علت و نسبت به برخی معلول باشد (محمودیان و امامی، ۱۳۸۹: ۱۵۴-۱۵۳).

بر اساس این جهان‌بینی، نظام بزرگ آفرینش دارای هدف است و همه موجودات عالم در پرتو هدفی از پیش تعیین شده، پا به عرصه وجود گذاشته‌اند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

(وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَینَهُمَا لَاعِبِینَ) ﴿۱۶﴾ (انبیاء: ۱۶) «و آسمان و زمین و آنچه را که میان این دو است، عبث نیافریدیم.»

معمولا فلاسفه با اثبات حکمت پروردگار، به رد عبث از فعل او پرداخته و معتقدند همه‌ی اشیای جهان غایتی دارند و خداوند آن‌ها را برای رسیدن به همان مقاصد خلق کرده است. (محمودیان و امامی، ۱۳۸۹: ۱۵۳-۱۵۴).

شناخت این موضوع که انسان دارای خلفت و آفرینش هدفمند است، نوع و مسیر زندگی انسان را مشخص می‌کند. کسی که خلقت خود را هدفمند می‌داند، سبک زندگی خود را طوری تعریف و تنظیم می‌کند که به هدف خلقت برسد؛ ولی کسی که خلقت خود را بی‌هدف می‌داند، به سمت پوچی و پوچ‌گرایی رفته و به زندگی خود پایان می‌دهد. واقعیتی که در جوامع غربی شاهد آن هستیم.

عدم شناخت آفرینش هدفمند باعث می‌شود که فرد از وجود سرشت متعالی که رو به سوی خداوند دارد، یعنی معاد و جهان آخرت آگاه نشود. اما شناخت آفرینش هدفمند انسان به ما بینشی روشن‌تر درباره فلسفه آفرینش خود و جهان می‌دهد و باعث حصول حالتی خاص در دل انسان می‌شود؛ بنابراین زمینه را برای طرحی حیاتی هدفمند و هماهنگ با اهداف خلقت بر اساس آموزه‌های اسلامی فراهم می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج۸: ۵۹-۴۴).

۲-۳-۴ انسان برخوردار از کرامت ذاتی

وجود انسان بهترین ساختار آفرینش است و دارای استعداد بالا و خواهان رسیدن به نامحدود است.

از نظر قرآن، انسان موجودی نامحدود است که از روح خدا در او دمیده شده و از چنان گوهره وجودی برخوردار است که خداوند، دیگر موجودات جهان آفرینش را برای او خلق کرده است و جهان را به گونه‌ای آفریده است که انسان بتواند در جهت بهره‌وری خود از آن استفاده کند و تا آنجا او را برتری داده است که به فرشتگان دستور داده که به تعظیم او بپردازند. همه این امور بیانگر این حقیقت است که انسان از کرامت ذاتی برخوردار است و این کرامت بالقوه در تمام انسان‌ها که باید با طی مسیر کمال به فعلیت برسد، وجود دارد.

یکی از ارزش‌های انسان، کرامت و شرافت ذاتی اوست. قرآن کریم می‌فرماید:

(وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا) ﴿۷۰﴾ (اسراء: ۷۰)

«به‌راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشاندیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.»

مقصود از کرامت ذاتی، آفرینش خاص انسان است که در مقایسه با دیگر موجودات، دارای استعداد و کمالات بالقوه‌ای است که با شکوفا کردن آن‌ها، قادر است به بالاترین مدارج کمال نائل گردد (رجبی، ۱۳۸۰: ۱۳-۳۴و ۲۰۳).

این کرامت مربوط به همه انسان‌ها بوده و هر انسانی در ذات خویش واجد چنین کرامتی است؛ همین توانایی است که متمایزکننده وی از تمامی خلایق است (شبدینی پاشاکی، ۱۳۹۲: ۲۵-۱۶).

این نوع نگاه که انسان دارای کرامت ذاتی است باعث می‌شود که انسان در زندگی در پی شکوفا کردن استعدادهای بالقوه خود باشد و در زندگی هیچ وقت ذلت‌پذیر نباشد و مقهور قدرت‌های پوشالی استکبار نشود و زندگی باعزتی داشته باشد. همانگونه که حضرت ابا عبدالله فرمودند: «مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است»

نبود این شناخت باعث می‌شود که دیگر فرد ارزشی برای خودش قائل نباشد و انگیزه‌ای برای کار و فعالیت مفید برای دین و جامعه نداشته باشد، اما شناخت آن مسئله‌ای اساسی و راهگشاست که به بسیاری از پرسش‌ها و ابهامات را درباره‌ی جایگاه انسان و دلایل برتری وی بر دیگر مخلوقات پاسخ داده و می‌تواند چهره‌ای جذاب از انسان در جامعه‌ی بشری ترسیم کند و بسیاری از پیرایه‌هایی را که برخی در مسئله کرامت انسان مطرح کرده‌اند از طریق تدبر در آیات بزداید.

۲-۳-۵ انسان موجودی مختار و آزاد

بحث جبر و اختیار یکی از معضلات فلسفی است. در طول تاریخ، فیلسوفان شرق و غرب در باب آن به تأملات بسیار پرداختند. فیلسوفان اسلامی در لابه‌لای مباحث مربوط به کیفیات نفسانی، اصل علیت و صفات الهی به بحث درباره این مسئله پرداختند.

از دیدگاه اسلام، انسان آزاد آفریده شده و هیچ عاملی حق ندارد این اختیار را از او سلب کند. انسان موجودی است مختار و انتخابگر، بدان‌معنا که در پرتو قوه عقل، پس از بررسی جوانب مختلف امری، انجام یا ترک آن را برمی‌گزینند. قرآن کریم می‌فرماید:

(إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا) ﴿۳﴾ (انسان: ۳)

«ما راه را به او نشان داده‌ایم، او یا سپاسگزار است و یا کفران کننده.»

و در جای دیگر در این زمینه چنین می‌فرماید:

(وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا) ﴿۲۹﴾ (کهف: ۲۹)

«بگو حق از جانب پروردگارتان نازل گردیده است. پس هر کس می‌خواهد ایمان آورد و هرکس می‌خواهد کفر ورزد.»

انسان به حکم آنکه دارای جوهر روحانی مستقل است و اراده‌اش از ذات روحانی او سرچشمه می‌گیرد، مختار و آزاد است (مطهری، ۱۳۷۱: ۲۱۸- ۷۲).

حقوق و آزادی انسان در اسلام، عمیق و فراگیر است و محدود به زندگی مادی نیز نیست؛ بلکه شعاع آن، عرصه باطنی و معنوی را نیز در بر می‌گیرد.

مورد بازخواست قرار گرفتن انسان در جهان دیگر حاکی از این است که در دنیا دارای اختیار و آزادی است و می‌تواند با اختیاری که دارد چنان عمل کند که مشمول پاداش و رحمت الهی قرار گیرد یا باعث تباهی خود شود. بنابراین یکی از ابعاد وجودی انسان همان بعد اختیار و اراده است که یک محور از محورهای تغییر سبک زندگی است که می‌تواند او را به بالاترین درجات سوق دهد؛ یا اینکه به پایین‌ترین مرحله ذلت و خواری بکشاند (حسینی، ۱۳۹۵: ۱۰).

نکته‌ی مهم این جاست که عدم توجه به این عامل باعث می‌شود که فرد ناخودآگاه خود را کوچک‌تر از آنچه که هست احساس می‌کند و رفتاری ناپسند متناسب با همین احساس بروز می‌دهد، اما در صورت شناخت آن فرد درمی‌یابد که بزرگترین مانعی که در انجام فعالیت‌هایی که قصد انجام آن را دارد، از طرف خود انسان یا همان نفس اماره اوست؛ به عبارت دیگر، بیگانه‌ترین بیگانه، به طوری که انجام هر کاری مطابق با خواست او برابر با ضرر و مغایرت با شروط دین و خواست خداوند است و مستقل و بی‌نیاز از همراهی و خواسته‌های او می‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

۶-۳-۲انسان؛ موجودی امانت‌دار

در بیان عرف و اندیشمندان اسلامی امانت -هر چه باشد- به معنای چیزی است که نزد غیر به ودیعه بسپارند تا آن را برای سپارنده حفظ کند و سپس برگرداند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق/۱۳۷۵، ج۱۶: ۳۷۰).

در قرآن مجید امانت به صورت مفرد یا جمع بارها تکرار شده است. در آیات قرآن کریم درباره شش نفر از پیامبران بزرگ الهی یعنی حضرت نوح[۱] و هود[۲] و صالح[۳] و لوط[۴] و شعیب[۵] و موسی[۶] (ع)جمله «اِنِّی لَکُمْ رَسُولٌ اَمِینٌ؛ من برای شما فرستاده امینی هستم»، دیده می‌شود که نشان واضحی از اهمیت این فضیلت اخلاقی است که در کنار امر رسالت قرار گرفته، و بدون آن هرگز اعتماد امت‌ها به رسولان جلب نمی‌شد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِینَ هُمْ لِاماناتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ راعُونَ؛ و آن‌ها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می کنند.»

در این آیه به برجسته صفات مومنان راستین یعنی حفظ امانت و پای بندی به عهد و پیمان اشاره شده است. قابل توجه این است که «امانات» در این‌جا به صورت جمع ذکر شده که اشاره به انواع و اقسام امانت است و بسیاری از مفسران قائل هستند که امانت در این آیه، تنها شامل امانت‌های مالی نیست؛ بلکه شامل امانات معنوی مانند قرآن و آیین خدا و عبادات و هم‌چنین شامل نعمت‌های مختلفی که خداوند به انسان داده است می‌شود.

و از این‌جا روشن می‌شود که مومنان واقعی و انسان‌های شایسته کسانی هستند که تمام این امانت‌ها را مراعات کنند و مراقب حفظ همه آن‌ها باشند.[۸۷]

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

(إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَينَ أَنْ يحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كانَ ظَلُوماً جَهُولًا) ﴿۷۲﴾ (احزاب: ۷۲)

«ما امانت[الهی و بار تکلیف] را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم پس از برداشتن آن سرباز زدند و از آن هراسناک شدند و [لی] انسان آن را برداشت راستی او ستمگری نادان است.»

شهید مطهری درباره کیفیت و نحوه عرضه این امانت می‌گوید:

۱.شعراء/سوره ۲۶، آیه ۱۰۷.
۲.پیشین، آیه ۱۲۵
۳.پیشین، آیه ۱۴۳.
۴.پیشین، آیه ۱۶۲.
۵.پیشین، آیه ۱۷۸
۶. دخان/ سوره ۴۴، آیه ۱۸
۷.مومنون/ سوره ۲۳، آیه ۸
۸.معارج/ سوره ۷۰، آیه ۳۲

«کلمه «ابین ان یحملنا» به معنی اینکه امتناع کردند از این که امانت را به دوش بگیرند، می‌رساند که این امانت تنها پذیرفتنی نیست، بلکه تحمل کردنی و به دوش گرفتنی است. گرچه مادی نیست که سنگینی آن را بر جسم خود احساس کند؛ اما تحمل کردنی می‌باشد. با مراجعه به تفاسیر معلوم می‌شود که این امانت عبارت از تکلیف، وظیفه، مسئولیت و قانون است. بدین معنی که برای انسان تکلیف تعیین شد که او با تکلیف، قانون و بار مسئولیت را به دوش بگیرد و هیچ یک از موجودات دیگر اعم از موجودات ذی‌روح و بی‌روح دارای چنین مسئولیتی نیستند. حیوانات به حکم غریزه یک نوع اعمالی را انجام می‌دهند و زندگی آن‌ها همواره به یک صورت بوده است. اما زندگی انسان پیوسته در مسیر کلی تکامل دارای تحول و تطور است و از قدرت خلاقیت و نوآوری بهره‌مند می‌شود. حیوانات همان گونه که ترقی و تکامل ندارند، انحراف و سقوط اخلاقی هم ندارند؛ اما انسان وقتی به جاده انحراف و سقوط کشیده می‌شود، ممکن است بخش مهمی از محیط زیست را به فساد و تباهی بکشاند و صفحه گیتی را صحنه ظلم و جنایت کند.» (مطهری، ۱۳۶۵، ج۳: ۵۱-۲۱).

بدیهی است آگاهی از این امانت زمینه‌ی تغییر سبک زندگی به وسیله‌ی دفع بدی‌ها و رشد نیکی‌ها و عاملی برای بالندگی و اعتلای شخصیت است. زیرا باعث آگاهی آدمی به آرمان‌ها و اهداف و زمینه‌ساز تدابیری است که فرد را قادر می‌سازد به تفکیک دقیق آن از یکدیگر بپردازد و با حفظ چشم‌انداز خویش به آرمان‌هایش از تعقیب اهداف واقع‌بینانه باز نماند (شرفی، ۱۳۹۱: ۲۸).

انسانی که به این قابلیت خود آشنایی ندارد، هرکاری را به میل خود انجام می‌دهد و رای و عقیده دیگران رابه هیچ می‌گیرد، اما این شناخت باعث می‌شود یک سلسله استعداد و ویژگی‌ها را در انسان بپذیریم و به معرفت و بصیرت برای رسیدن به سلوک و انگیزه‌های خویش به کارگیریم. و آن‌ها را برای داشتن زندگی بهتر پرورش دهیم.

۲-۳-۷ انسان دارای فطرت الهی

انسان موجودی ذوابعاد و ودیعه‌ای در آفرینش است و در کنار برخرداری از عقل و تمایل به مباحث برهانی، در عمق جان واجد خصیصه فطرت است که در صورت قرار گرفتن در مسیر صحیح و نزاهت از انحرافات فکری و عملی، حقیقت‌گرایی و حق‌جویی و تمایل به خدا در او شکوفا می‌شود و به افق اعلی می‌رسد

اهمیت فطرت از آن رو است که شخصیت و ارزش انسان به آن وابسته است و ابعاد روحانی انسان، از آن جهت پسندیده است که از مصادیق فطرت محسوب می‌شود این مصداق، مبتنی بر توحید است (کریمی، ۱۳۹۲: ۶۳).

قرآن به این ویژگی انسان در زمینه خداجویی اشاره کرده، می‌فرماید:

﴿فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لَا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَلَکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ﴾ (۳۰) (روم: ۳۰)

«پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار ولی اکثر مردم نمی‌دانند.»

مهم‌ترین گرایش‌های فطری انسان عبارت است از:

الف) حقیقت‌جویی: انسان گرایشی ذاتی به کشف واقعیت‌ها دارد؛ او می‌خواهد جهان هستی را آنچنان که هست، دریافت کند.

ب) حس نیکی یا فضیلت‌خواهی: انسان فطرتاً به ارزش‌های اخلاقی همچون عدالت و صداقت علاقه داشته و طالب آن است؛ همان گونه که رذایل اخلاقی را طرد می‌کند.

ج) زیبایی خواهی: زیبایی‌خواهی، معنایی گسترده و عام دارد. شهید مطهری در این خصوص می‌فرماید: « در انسان گرایش به جمال و زیبایی، چه به معنی زیبایی دوستی و چه به معنی زیبایی آفرینش که نامش هنر است، به معنی مطلق وجود دارد. این هم یک گرایش است در انسان، و هیچ کس نمی‌یابید که از این حس فارغ و خالی باشد.» (مطهری، ۱۳۸۰، ج ششم: ۴۹۲).

د)عشق و پرستش: یکی از گرایش‌های انسان توجه به خدا به عنوان کمال مطلق و جستجوی از اوست. زیرا انسان‌ها در طول تاریخ همواره در جستجوی این کمال و گرایش به او بوده‌اند (حسینی، ۱۳۹۵: ۵۹).

حس کمال جویی: یکی از اصیل‌ترین ویژگی‌های فطری انسان، کمال‌جویی است. کمال جویی را می‌توان اساس و منشاء بسیاری از امیال دانست.

اگر «فطرت» به عنوان یکی از ابعاد وجودی انسان شناخته نشود، مانند گیاهی است که به خودی خود روییده و از آن مراقبت خاص نشده است و زمینه‌ی پرورش انواع صفات و کردار در فرد پدید می‌آید که گاهی ممکن است این صفات با هدف متعالی آفرینش او سازگاری نداشته باشد ولی در صورت شناخت فطرت؛ انسان سعی می‌کند به سمت عقاید، افکار و در نهایت اعمالی برود که در وجودش به طریق فطری برنامه‌ریزی شده است و انسان به قله‌های کمال و معنویت خواهد رسید؛ به طوری که قرآن کریم و احادیث معصومین از آن به عنوان یکی از اصول جهان‌بینی اسلامی، یاد کرده‌اند.

۸-۳-۲ انسان موجودی مسئولیت پذیر

واژه مسئولیت و ریشه‌های آن از سلسله واژه‌هایی است که به صورت مکرر در جای جای قرآن کریم مورد تصریح قرار گرفته است.
مقصود از سوال و مسئولیت پرسش‌گری در برابر وظیفه یا به تعبیر دیگر مواخذه است.
خدای متعال از نقش ابزارهایی که برای بالا بردن سطح آگاهی انسان آفریده شده‌اند همانند گوش و چشم و قلب پرسش نموده که آیا همواره به دنبال کشف حقیقت بوده‌اند یا به صرف دریافت هرگونه مطلبی ولو به صورت مشکوک و مظنون، بدان اعتماد ورزیده و آن را معیار برای جهت‌دهی رفتار قرار داده‌اند.
در دیدگاه اسلام یکی از اهداف بزرگ انبیاء و اولیای الهی متوجه کردن انسان به خویشتن می‌باشد.
قرآن کریم به موارد متعددی از مسئولیت‌های انسان اشاره کرده است:
الف. مسئولیت انسان در برابر خدا:
﴿فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ﴾ ﴿۶﴾ (اعراف:۶) «پس قطعاً از کسانی که پیامبران به سوی آنان فرستاده شده‌اند خواهیم پرسید.»
باز می‌فرماید: ﴿أَيحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يتْرَک سُدًى﴾ ﴿۳۶﴾ (قیامت: ۳۶) «آیا انسان گمان می‌کند که به حال خود رها شده است.»
ب. مسئولیت انسان در برابر خداوند: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيسَ لَک بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كلُّ أُولَئِک كانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ ﴿۳۶﴾ (اسراء: ۳۶) «همانا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرستش واقع خواهند شد.»
ج. مسئولیت انسان در برابر خود و خانواده:
﴿يا أَيهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكمْ وَأَهْلِيكمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيهَا مَلَائِكةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيفْعَلُونَ مَا يؤْمَرُونَ﴾ ﴿۶﴾ (تحریم: ۶) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ‌هاست حفظ کنید.»
د. مسئولیت انسان در برابر افراد جامعه: ﴿وَلْتَكنْ مِنْكمْ أُمَّةٌ يدْعُونَ إِلَى الْخَيرِ وَيأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَينْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكرِ وَأُولَئِک هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ ﴿۱۰۴﴾ (آل عمران: ۱۰۴) «و باید از میان شما، گروهی مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگارانند.»
مسئولیت در برابر پیمان‌ها:
﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِي أَحْسَنُ حَتَّى يبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كانَ مَسْئُولًا﴾ ﴿۳۴﴾ (اسراء: ۳۴): «به پیمان وفادار باشید که از پیمان سوال می‌شود.» (شبدینی پاشاکی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۲).
از آن‌رو که انسان دارای اراده و آزادی است بنابراین می‌تواند خود را از جبر محیط اجتماع و طبیعت حیوانی خود تا حدود زیادی رها سازد و مسئول خویش و جامعه‌اش باشد. نگرش فرد به مسئولیت‌هایش در جهان هستی و بهره‌گیری از توانایی‌هایش برای مسائل خویش و جامعه‌اش تاثیر معناداری بر تغییر سبک زندگی خواهد داشت. درحالی که در نگاه اومانیستی یا سکولاریستی به جهان و انسان، چنین رابطه‌ی معناداری وجود ندارد (شرفی، ۱۳۹۱: ۲۸).
در حقیقت نبود این بعد در زندگی باعث می‌شود که توانایی و انگیزه‌ی فرد به سمت وسوسه‌های مختلف و گاه بیهوده برود ولی پذیرش این مسئولیت‌های چندگانه باعث می‌شود، آدمی با مطالعه عواقب و نتایج، انگیزه‌ها را با اراده خود رهبری کند و به سوی رشد و کمال و بالندگی سعادتمندانه در زندگی فردی و اجتماعی سوق می‌دهد. و زندگی دنیا را مقدمه‌ای برای زندگی اخروی و حیات جاوید قرار می‌دهد و هدف قرب الهی را برای خود فراهم می‌سازد و رو به سوی تغییر سبک زندگی حرکت می‌کند.

۹-۳-۲ بعد عقلی

واژه عقل در فلسفه و نیز دانش‌های دیگر در معانی گوناگونی به کار رفته و در رایج‌ترین آن‌ها به معنای نیروی ویژه آدمی است که میان نیک و بد تمییز می‌دهد. اگر بخواهیم موارد کاربرد عقل در فرهنگ غربی را نیز بیفزاییم، شمار معانی اصطلاحی آن از این هم فزون‌تر خواهد شد؛ برای مثال، امروزه به ویژه در مباحث جامعه‌شناسی، تعابیری چون عقلانیّت ابزاری رواج یافته و بیانگر آن است که باید بهترین وسیله را برای اهداف خود برگزینیم. چنان که پیدا است این بحث جنبه عمل‌گرایانه دارد؛ حال آنکه که در مسئله عقلی اسلام، با رویکردی معرفت‌شناسانه، میزان توانایی‌ها و ناتوانی‌های عقل را در حوزه دین بررسی می‌کنیم.
بعد عقلی است همواره در این تدبیر است که روح از آنچه که لازمه‌ی سعادت انسان است تجاوز نکند و به پیروی از اوامر و نواهی بپردازد و با تمیز بین خیر و شر بتواند در شناخت انسان و به تبع آن شناخت خداوند مسیر تغییر سبک زندگی را برای خود هموار کند (حسینی، ۱۳۹۵: ۱۰).

نادیده‌گرفتن بعد عقلی باعث می‌شود که زندگی روزانه‌ی آدمی با خیالبافی‌های پوچ و بی‌هدف گذرانده شود یا به صورت کلی برای رسدن به منافع مادی و گذرا مانند تحسین دیگران به کار گرفته شود یا اصلاً از این بعد استفاده نکند. شناخت بعد عقلی که با ابزار فکر و اندیشه، هویت انسان را واکاوی کرده، به تمام فعالیت‌های علمی و فکری جهت می‌دهد و باعث می‌شود فرد در حل مسائل زندگی توانایی بیشتری از خود نشان دهد.

نتیجه‌گیری

بحث شناخت ابعاد وجودی انسان از مهم‌ترین مباحث در الهیات است. هویتی که شناخت ابعاد وجودی به انسان می‌بخشد؛ هویتی برتر و متعالی است. قرآن مهم‌ترین منبع انسان، نگاهی عمیق به انسان دارد. انسان موجودی دو بعدی است که اصالت وجودی او را روح و فطرت خداجویش تشکیل می‌دهد. او خلیفه‌ی خدا در زمین است و موجودی مادی و معنوی است که قدرت تفکر داشته و از آزادی اراده و اختیار برخوردار است.

شناخت ابعاد وجودی انسان باعث:

۱- جهت دادن به زندگی
۲- رعایت اعتدال
۳- توانایی بیشتر برای حل مسائل
۴- تکاپو و فعالیت بیشتر فرد
۵- بینش عمیق
۶- روشن شدن بسیاری از پرسش‌ها و ابهام‌ها
۷- پرورش استعدادها

و به طور کلی در معنایابی و هدفداری زندگی انسان‌ها تاثیرگذار می‌باشد. چنین شناختی را باید بر اساس آموزه‌های قران بر افراد طالب آن عرضه داشت تا در پی آن فرد و جامعه، تمام رفتارهای خود را برای کسب رضای خداوند ساماندهی کنند و بدین ترتیب به سوی معنویات و ارزش‌های اخلاقی سوق یابند و درنتیجه آرامش روحی و روانی را برای خود و دیگران به ارمغان آورند، زیرا مشکلات و ناملایمات که در هر زندگی رخ می‌دهد، برای این افراد به دلیل افزایش معرفت آسان می‌شود و در نهایت سبک زندگی آن‌ها تغییر می‌کند.

منابع

قرآن
اصفهانی، سیده نصرت امین (۱۳۶۱). مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان.
بلاغی نجفی، محمد جواد (۱۴۲۰ق/۱۳۷۸). آلاء الرحمن فی التفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت.
بهشتی، احمد (۱۳۹۱). غایات و مبادی (شرح نمط ششم کتاب اشارات و تنبیهات ابن سینا)، قم، بوستان کتاب.
پورآوند، طیبه (۱۳۸۷). بحران هویت انسان از منظر قرآن کریم، قم، انتشارات سلسله.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). رحیق مختوم (شرح حکمت متعالیه)، تنظیم حمید پارسانیا، قم، اسراء.
..... (۱۳۸۶). حیات حقیقی انسان در قرآن، قم، إسراء.
..... (۱۳۹۰). انسان از آغاز تا انجام. بی‌جا، مرکز نشر اسراء.
..... (۱۳۸۵). تفسیر تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء.
رجبی، محمود (۱۳۷۷). سلسله دروس اندیشه‌های بنیادین اسلامی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
شبدینی پاشاکی، محمد و دیگران (۱۳۹۳). کانون آرامش، ویژگی‌های خانواده اسلامی، قم، پژوهشگاه امام صادق (ع).
شجاعی، محمد صادق و حیدری، مجتبی (۱۳۸۸). نظریه‌های انسان سالم با نگرش به منابع انسانی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸). نهایة الحکم، ترجمه و شرح علی شیروانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
.....(۱۴۱۷ق/۱۳۷۵). تفسیر المیزان، قم، موسسه النشرالاسلامی، ج۹.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
..... (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق/۱۳۷۳). تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان.
فربد، محمد صادق (۱۳۸۴). مبانی انسان‌شناسی، تهران، منصوری.
قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). تفسیر قمی، قم، دارالکتاب.
قنبری، مرضیه (۱۳۹۶). «مبانی کرامت ذاتی انسان از منظر علامه طباطبایی (ره)» فصلنامه علمی تخصصی معارف اسلامی، ۱۳۹۶،۱۲۲، ۴۹-۸۲.
کریمی، محمد علی (۱۳۹۲). «فطرت انسان در قرآن» سفیر، ۲۶، ۱۳۹۲، ۶۳-۸۶.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۲). اصول کافی. ترجمه صادق حسن‌زاده، تهران، انتشارات اطلاعات.
لک‌زایی، نجف و عیسی‌نیا، رضا (۱۳۹۱). «انسان شناسی کلامی مطهری؛ معبری برای سیاست شناسی» نشریه‌ی علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم (ع)، ۵۸، ۱۳۹۱، ۳۹-۷۶.
مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۷). بحارالانوار، تهران، انتشارات مکتب الاسلامی.
محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۴). میزان الحکمه، قم، انتشارات درالحدیث.
محمودیان، حمید و امامی، مریم (۱۳۸۹). «غایتمند بودن آفرینش در فلسفه‌ی اسلامی: با محوریت غرض‌ورزی خالق و غرض‌مندی مخلوق» فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، ۳۵، ۱۳۸۹، ۱۵۳-۱۷۰.
مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۶). معارف قرآن. قم، موسسه در راه حق.
مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). شرح الهیات شفا، تهران، حکمت.
..... (۱۳۷۱). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، تهران، صدرا.
..... (۱۳۸۰). مجموعه آثار، تهران، صدرا.
..... (۱۳۸۱). شرح مختصر منظومه، تهران، صدرا.